

هر هفته تغییر می‌کند و این هفته نوبت سهروردی شمالی و کوچه پس کوچه‌های آن است. هفته بعد نوبت یوسف آباد و هفته بعدتر... بعدتر... دوست ندارد میزبان در آتش را بگوید: «بخور و نمبر و درمی‌آید. بهتر از کارگری است». اما از همان درآمد به خانواده در گرگان هم کمک می‌کند: «پدرم از کار افتاده است و من هم پسر کوچک خانواده هستم. پولیون رن از پدرم یاد گرفته‌ام و او هم از پدر بزرگش یاد گرفته». در شلوغی پارک از او می‌خواهم برایم سازی بزنه که با خجالت شروع می‌کند به نواختن: «محسن این سه ماه را در یکی از مسافرخانه‌ها میدان راه‌آهن سپری می‌کند: «تنها مشکلی این است که سخت گرم می‌شود و این شب‌های بوفی تهران واقعاً تا صبح بخ می‌زنم، آنقدر هم در طول روز در خیابان هستم که خسته می‌شوم. استخوانم می‌رود و شب که به خانه می‌روم حوصله درست کردن غذا هم ندارم. از بیرون یک ساندویچی چیزی می‌گیرم. بعضی روزها که کمتر حوصله کار دارم روزتو می‌روم و از برجی که از شمال آوردم، صابری می‌زنم و غذای خوبی می‌خورم.» صاحب حسایی در کوچه سروصدا به پا کرده است؛ بلندگوی کهنه‌ای که از دوشش آویزان است ملودی یک ترانه قدیمی را پخش می‌کند و او هر روز ساز قدیمی ضرب می‌گیرد. ساعت ۸ شب گذشته و سوز سرما و خستگی باعث شده صداهایی که او در حال تولید آن است بیشتر اغشاش صوتی به نظر بیاید. با صابر که به هر لرسن است. همه‌قد می‌شوم تا از روزگار بپرسم.

تقریباً ۴۰ ساله به نظر می آید او طوره که میگوید ضرب زدن را از اوکی در جشن های محلی از یکساز زمینرمان روستا گرفته است. او سان ورامین است و اسامال اوین باری است که راهی کوچه و خیابان شده تا پولی دربیارود؛ اگر کار ساختمانی هستم و وقت هایی که کار نباشد نوازندگی می کنم.» انگشت های زنگینی نشان از کار سفید سالیان وسختی زندگی دارد. درابو، صابو دو نفرین قد ونیم قد دارد که هر کدام هزار جور خرج دارند. اجاره خانه و گرانی قیمت های راهی روی آن هزار خرج، او را مجاب کرده برای به دوست او (۱۵۹) را، به دل، خیابان، بعهده.



علیرضا صوت اکبر / ایران

## روایتی از نوازندگان خیابانی در زمستان سرد تهران

# اینجانت‌ها یخ می‌زنند

محمد معصومیان | گزارش نویس

دستانش را در جیب کاپشن می‌گذارد تا گرم بماند و بدون هیچ انعامی خودش را به ابتدای کوچه می‌رساند، می‌نشیند روی پلکان و خستگی در می‌کند.

این روزهای آخر سال مانند گذشته، کوچه‌های تهران از نوازندگان دوره‌گرد پر شده است، مردانی که از شهرها و روستاهای مختلف کشور خودشان را به تهران می‌رسانند تا از این طریق درآمدی به دست بیاورند و چرخ زندگی را بچرخانند؛ یکی با ساز یکی همراه آهلی‌فایر قدیمی که ملودی پخش می‌کند و مرد دوره‌گرد روی ملودی طبل

از دستان یخ‌زده مردی که وسط یک کوه  
بن‌بست ایستاده و آرشه را روی ویولن  
می‌کشد صدای بهاری می‌آید، صدایی که  
به گوشم ملودی ترانه‌ای فولکلور به نظر  
می‌آید. سرش را تکان می‌دهد تا آیران‌نامی‌هایی که  
محاصره‌اش کرده‌اند بالا می‌آورد تا شاید  
شوندی‌ای اسکناس مجله شده‌ای را از زنجیره  
به پایین پرتاب کند یا کودکی ذوق‌ده  
مبلغی ناچیز از پوله‌ها بدود تا خوش‌تر از او  
برساند. لخرخ کنان ویولن را زیر بغل می‌زند،

هم افتاده است، صدایی که گاهی مانند نسیمی خنک داخل خانه نفوذ می‌کند و گاهی شبیه سر و صدایی بی‌وقط و وسطی شغلی که به نظر می‌رسد در هر حال این نوازندگان خیابانی اگر می‌خواستند موسیقی متن زندگی خود را بنوازند شهر پر از غصه می‌شد اما آنها که غم را خوب می‌شناسند از آن می‌گریزند. شهراب و علیرضا هل سمان هستند؛ یکی دهل می‌زند و دیگری ساز را بادی. با هم هماهنگ هستند و ریتم ساده‌ای می‌زنند که شبیه ملودی مراسم نوروزخوانی مازندرانی است. علیرضا می‌گوید: «ما در روستای نزدیک می‌زنان زندگی می‌کنیم» و او این ریتم از بچگی توی گوش ما بوده. شهراب و علیرضا را که ۳۵ و ۴۰ ساله به نظر می‌رسند در کوه‌های محله قلهک تهران می‌بینم که آرام آرام از کوه‌های به کوه‌های دیگر می‌روند. رفتار مردم با صدای ساز آنها گاهی خوب و گاهی با ترش رویی همراه است. آنها چند روز است که از سمان آمده‌اند تا این ماه‌های آخر سال درآمدی در این شهر بزرگ به دست آورند. شهری که کوه‌هایش تمامی ندارد. آن طور که خوشان می‌گویند از ظهر مشغول کار می‌شوند تا ۹ شب که دیگر وقت استراحت است. شهراب تعریف می‌کند که در خانه یکی از اقوام در شیراز می‌نورده اند کارگر خان بطور دسته جمعی زندگی می‌کنند و مبلغی هم به عنوان اجاره‌ما پرداخت می‌کنند: «ما هر دو متاهل هستیم و شعی بی‌سبب اینجا پول جمع کنیم تا وضع عید جلوی می‌چشم و سرمان کنیم» و در تهران باشند، برای همین می‌آیند اینجا. راستش راحت نیست، بالاخره دلنگینی در بچه‌هاست و نگرانی‌هایی که گاهی یقه آدم را می‌گیرد. حرف زیاد است خلاصه اینکه ما هم اتحرفی پول در می‌آوریم.»

تهران چه معناهای متفاوتی در ذهن ساکنان و مسافرانش دارد. برای یکی جایی است برای کار و آرامش بر روی دیگری خوابگاهی قیمت برای به دست آوردن تاجیز به موقع دلنگینی و تحمل زهیر زمستان.



لابد به این نوازندگان  
خیابانی برخورد کرده‌اید  
یا با صدای ساز و دهل  
گذرشان به کوچه شما  
هم افتاده است، صدایی  
که گاهی مانند نسیمی  
خنک داخل خانه نفوذ  
می‌کند و گاهی شبیه سر  
و صدایی بی‌هنگام وسط  
شلوغی کوچه به نظر  
می‌رسد. در هر حال این  
نوازندگان خیابانی اگر  
می‌خواستند موسیقی  
متن زندگی خود را  
بنوازند شهر پر از غصه  
می‌شد اما آنها که غم را  
خوب می‌شناسند از آن  
می‌گریزند

«فقط وقت‌هایی که حال و هوای روستا به سرم می‌زند و آهنگ لری می‌زنم حالم خوب است ولی نمی‌شود آنها را اینجاها زد. می‌چوچوروی روزی صد نفر غری می‌زنند که از می‌چوچوروم چون سرشان درد می‌کند.»  
لری صابر زندگی یعنی فردرانشی و خنده می‌گوید: «خیلی‌ها لطف دارند و پول می‌دهند، خیلی‌ها هم بد برخورد می‌کنند که برای من مهم نیست. همین که شب دست خالی نروم کافی است.» (لایب به این نوازندگان خیابانی برخورد کرده‌اید یا صدا ساز و دهل گذرشان به‌کوجه شما

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

تی که - سر بآزادن - شلوار چین  
کردن - یکی از طایور - اضاف  
ف کتابین - ویرایش - فلز اصلی سکه ها  
بی رسوب زمینی - سر زده و ناگهانی - نوعی  
شبهه پیرامی -  
الخط - میدانی در تهران - قطعه تبلیغاتی صدا  
رسوم - شرح کتاب اوستا - نت ششم  
ماه - نشست - خوف  
ساختمان - پوشیده - سرنگون  
بب بانو - لقب ضحاک - محله ای در تهران  
فله فلزی - قریب خورده در معامله - قطعی  
لال کیدی - هواپیما مسافربری - به معنی زایش  
گاتاگراستی - آباشی - چشم نواز در روستای  
جان

- ۹- یکی از هنرهای ترکیبی - ماه نو- پوسنه‌های ریزی در موی سر
- ۱۰- بر جمعیت‌ترین شهر «بریتانیا» - کم جرأت- محل تقاطع دو خیابان
- ۱۱- سرخود- دستور قطعی- عضو صورت- ضمیر متصل دوم شخص مفرد
- ۱۲- بازدارنده- مخفف کوتاه- عروس شهرهای ایران
- ۱۳- گریه- هویدا- بازار سهام
- ۱۴- ادیب ایرلندی- جاودانه- جدا از هم
- ۱۵- سبد بزرگ خرید- خانه‌های ریزری گراور- بزرگ

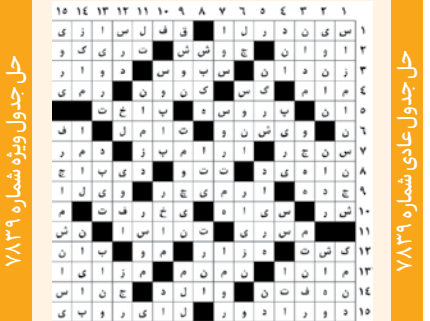
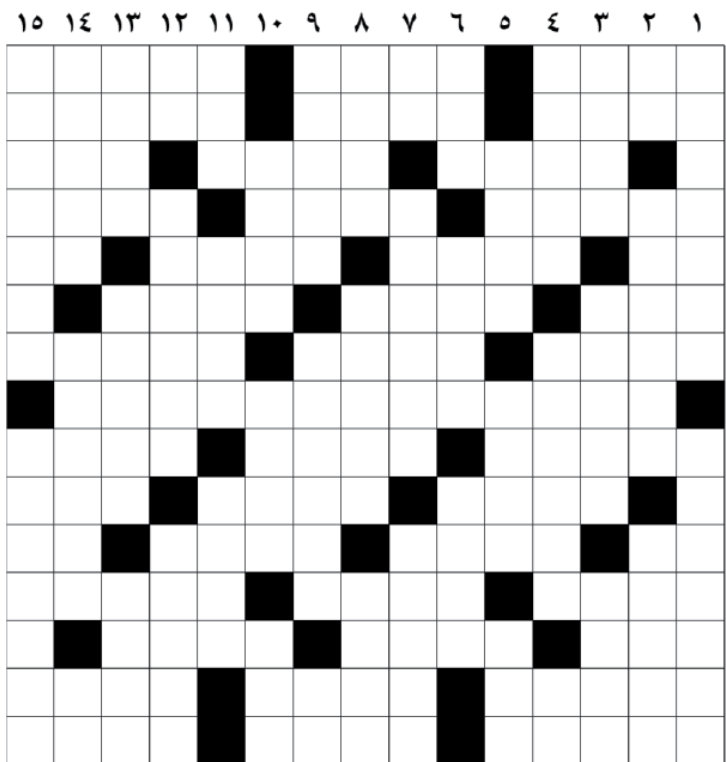
▼ عمودی:

- ۱- شهر «قبرس» - تشکیل ختنه در عروق
- ۲- سنگ آسیاب- از گل‌ها- روانکاو برجسته فرانسیسی
- ۳- حامی- دستگیری- دارایی‌ها- جانشین

افقی:

- ۱- چهارچوب- دم‌زنی- نام‌ مردانه
- ۲- مرکز (دروغ)- شعله‌ آتش- گریه‌ ابر
- ۳- سازگاری- فرض- درخت کریسمس
- ۴- تکراری- از زمان قدیسه‌ عالم- پوششی زنانه
- ۵- الف- پای‌ چرا- جالاک- رمق آخر
- ۶- فنی‌کو- شکاف باریک- عظمت و شکوه
- ۷- پای‌ بازی‌ قدیمی- دوست و مونس- آرشه
- ۸- مه‌ترین اجزای شبکه‌ برق
- ۹- ای‌ از خانواده‌ ویولن- اثر سوختگی بر پوست-
- ۱۰- زمایل‌ به‌ خاکستری- نقاش فرانسوی- ظاهر
- ۱۱- تبت- تبتل- پول «چین»- عکس‌برداری رایانه‌ ای-
- ۱۲- گروه‌ گذارنده- بنده‌مهر «بلغارستان»
- ۱۳- در شردن‌ دکان- غرض‌ پوششی- نوعی نیمه‌ گرم
- ۱۴- باستانی- منگوله‌ یاک‌دندنه- نوعی فست‌ فود
- ۱۵- ماهیار- آنا- تمانار- درک‌ آتش- تمبر- در «اتلایا»

دی؛  
 ۱- اسطوره‌ای - ششمین ورزش محبوب  
 ده - سبزی معطر - هافبک «گل گهر سیرجان»  
 طه معامله - عامل بیماری ایتزه - ماه پاییزی  
 حمری - پدر و مادر - کلاه الف  
 ی از دوربین - حقه - مرزبان  
 ی از ی - سیاستمدار - دستبند  
 کج - مقابل «موافقت» - تادر  
 ده - گیاه خوشرخی کاهنده قند خون - میدانی در  
 خودرو - در خشنده - پول «ژاپن»  
 دهف - شیره چندند - قند - اسم صدارا وزیدین  
 ی در دوره جابلیت - پوششی برای دیوار -  
 ی از پرداخت وجه چک  
 امیانه - برابره - مضر - از مرکبات ترش مزه و  
 بیت  
 هلمداران - جزیره‌ای در جنوب ایران - خواندنی  
 (لقه خاتمه ها  
 د آرامش - نیای بزرگ رستم - بگوی شاعر  
 تاریخچه - همدان - یانخت «اندونزی»



**روز**  
**تازه**

افقی؛  
 ۱- پوشه- سامانه‌ای در جعبه دنده- مایوس  
 ۲- ایالات «هند»- بند چرمی- خوشگل  
 ۳- حیوانی اهلی- ترحم  
 ۴- کباب کویده- توانایی- افسار  
 ۵- کردن در فضای مجازی- درخت مسواک- از- خامنه‌ها- پوز  
 ۶- مستأجر ژرف بینی- مرکز شهرستان ننگستان  
 ۷- قانونی که چنگیزعزیز کرد- مخلوط کردن  
 ۸- «اندونزی»

رقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

## جدول سودوگو

ሠላሃላ

		٨			٣		٦	
		١			٥	٣		
			٢	٦			٧	١
							٤	٨
٨		٢				٧		٩
٥	٤							
١	٨			٩	٦			
		٧	٨			٤		
	٢		٤			١		

				۱	۶		۲	
۲			۵	۴		۷		
۷								۳
					۵	۱	۸	
				۲				
	۴	۵	۹					
۹								۵
		۳		۷	۴			۸
	۶		۲	۵				

۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳
۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۳		۱		۲	۵			
					۶			۵
	۲		۴	۱		۸		۶
۲	۴	۸		۶				
۱	۳		۵		۴		۲	۷
				۳		۹	۴	۸
۴		۵		۹	۳		۷	
۶			۲					
			۷	۵		۴		۳

				٦		٣		٧
		٧	٨					
	٣	٢		٧			٥	
٢			٧			٥	١	
				٣				
	٦	٣			٥			٢
	٩			٥		١	٧	
					٨	٦		
١		٤		٩				

[illegible]